

راه‌های دستیابی به عدالت برای بازماندگان نقض‌های حقوق بشری در افغانستان

ویرایش دوم

دسمبر ۲۰۲۰



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	ساختار گزارش
۳	عدالتِ قربانی/بازمانده محور و اصولِ راهنما
۰	مکانیسم‌های پاسخ‌گویی قضایی
۰	محکمه بین‌المللی جزایی
۸	محکمه بین‌المللی عدالت
۱۰	صلاحیتِ جهانی
۱۳	تعهدات نیروهای خارجی و شرکت‌های بین‌المللی
۱۷	محدودیت‌های مکانیسم‌های پاسخ‌گویی قضایی
۱۷	محدودیت‌های مشترک در همه مکانیسم‌ها
۱۷	محدودیت‌های ویژه هر مکانیسم
۲۰	مکانیسم‌های پاسخ‌گویی غیرقضایی
۲۰	مکانیسم‌های ملل متحد
۲۰	شورای حقوق بشر
۲۱	مکانیسم مستقل تحقیقاتی ملل متحد برای افغانستان
۲۱	گزارشگر ویژه ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان
۲۵	واحد خدمت حقوق بشر دفتر کمیشنر عالی برای حقوق بشر
۲۸	ابتکارهای جامعه مدنی
۲۸	محکمه مردمی برای زنان افغانستان
۳۰	یادبودسازی: خانه خاطره افغانستان
۳۲	دادخواهی جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی
۳۴	محدودیت‌های مکانیسم‌های پاسخ‌گویی غیرقضایی
۳۶	فهرست اصطلاحات

مقدمه

افغانستان نمونه‌ای روشن از معافیت از مجازات و تداوم خشونت است. دهه‌ها جنگ و حاکمیت‌های استبدادی در این کشور، قربانیان بی‌شماری بر جای گذاشته و به نقض گسترده حقوق بشر، از جمله جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و احتمالاً نسل‌کشی انجامیده است. این در حالی است که عاملان این جنایات از معافیت برخوردار اند، و قربانیان همچنان از دستیابی به عدالت محروم می‌باشند.

نظام سیاسی بعد از سال ۲۰۰۴ در تحقق صلح پایدار و دموکراسی ناکام ماند و با تداوم معافیت از مجازات، زمینه را برای بازگشت طالبان در سال ۲۰۲۱ فراهم کرد. پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، ضمانت‌های قانونی حمایت از حقوق شهروندان به حالت تعلیق درآمده، نهادهای پاسخ‌گویی منحل شده و عفو عمومی برای تمامی جرایم گذشته اعلام گردیده است. این اقدامات، راه را برای نقض‌های نظام‌مند و مستمر حقوق بشر در داخل افغانستان هموار ساخته و هیچ سازوکار مؤثری برای رسیدگی به آن‌ها باقی نگذاشته است. از این‌رو، پیگیری عدالت در خارج از افغانستان امری ضروری و فوری است. این گزارش، به‌طور خلاصه سازوکارهای پاسخ‌گویی بین‌المللی مرتبط را معرفی می‌کند. هرچند هیچ‌یک از این سازوکارها به‌تنهایی نمی‌تواند عدالت کامل را فراهم سازد، اما درک ظرفیت‌ها و محدودیت‌های آن‌ها می‌تواند در حمایت از قربانیان، مبارزه با معافیت از مجازات، جلب توجه جامعه بین‌المللی و ترویج آشتی ملی و حاکمیت قانون در افغانستان نقش مؤثری ایفا کند.

این متن، ویرایش دوم گزارش «مسیر های دسترسی به عدالت برای قربانیان/بازماندگان نقض حقوق بشر در افغانستان» است که در ماه مه ۲۰۲۴ منتشر شده است. این ویرایش بر اساس پیشرفت‌های اخیر در حوزه پاسخ‌گویی و با در نظر گرفتن دیدگاه‌های ارزشمند شرکا و خوانندگان ویرایش نخست، تهیه شده تا شفافیت، دقت و کارآمدی گزارش بهبود یابد.

ساختار گزارش

این گزارش با تعریف و مروری بر اصول راهنمای عدالتِ قربانی‌محور یا بازمانده‌محور آغاز می‌شود. از خوانندگان خواسته می‌شود هنگام مطالعه سازوکارهای معرفی‌شده، این اصول را در نظر داشته باشند؛ زیرا این اصول ابزاری برای ارزیابیِ چگونگی برخورد هر مکانیسم با قربانیان/بازماندگان فراهم می‌کنند.

در ادامه، سازوکارهای پاسخ‌گویی بین‌المللی، اعم از قضایی و غیرقضایی که برای قربانیان/بازماندگان افغان و نهادهای جامعه مدنی قابل استفاده‌اند، در دو بخش جداگانه بررسی می‌شوند. برای سهولت در درک و مقایسه این مکانیسم‌ها، از چهارچوبی یکسان استفاده شده است که عناصر آن به شرح ذیل است:

- چستی: توضیح نهاد یا روند مربوطه.
 - محرک‌ها: شرایط حقوقی یا سیاسی لازم برای فعال‌سازی.
 - نتایج و پیامدها: نتایج یا پیامدهای ممکن، مانند پیگرد قضایی، صدور حکم یا جبران خسارت.
 - چگونگی مشارکت: فرصت‌های مشارکت برای قربانیان، جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر.
 - ارتباط با افغانستان: صلاحیت یا حوزه شمول نسبت به افغانستان و پیشینه تعامل با آن.
- در پایان هر بخش، خطرهای محدودیت‌های عمومی و خاص هر مکانیسم نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

عدالتِ قربانی/بازمانده‌محور و اصولِ راهنما

عدالتِ قربانی یا بازمانده‌محور کسانی را که بیشترین آسیب را از نقض‌های حقوق بشر و جرایم بین‌المللی متحمل شده‌اند، در مرکز توجه سازوکارهای پاسخ‌گویی قرار می‌دهد. این رویکرد از یک‌سو هویت حقوقی قربانیان را که برای روندهای حقوقی مانند مشارکت و جبران خسارت ضروری است، و از سوی دیگر هویت و کرامت انسانی قربانیان/بازماندگان را به رسمیت می‌شناسد و بر استقامت، توانمندی و تجربه زیسته آنان تأکید دارد.

برخلاف الگوهای سنتی عدالت که تمرکز اصلی‌شان بر مرتکبان یا دولت‌هاست، این رویکرد امنیت، اختیار و کرامت قربانیان/بازماندگان را در محور قرار می‌دهد.

اصول راهنمای عدالتِ قربانی/بازمانده‌محور عبارت‌اند از:

- آسیب‌نرساندن: تأکید بر ضرورت حفاظت از امنیت و رفاه قربانیان/بازماندگان و اطمینان از اینکه روندهای عدالت آنان را در معرض خطرهای جدید یا آسیب‌های روانی مجدد قرار ندهد.
- رضایت آگاهانه: هرگونه گردآوری شهادت‌ها، روایت‌ها و شواهد یا استفاده از آن‌ها باید تنها با رضایت داوطلبانه، پیشاپیش و آگاهانه قربانیان/بازماندگان انجام شود.
- محرمت و حفاظت: نگهداری امن و محرمانه اطلاعات مربوط به هویت قربانیان/بازماندگان، شهادت‌ها و شواهد، به‌منظور پیشگیری از انتقام‌جویی یا آسیب روانی مجدد.
- بی‌طرفی: تضمین اینکه روندهای عدالت در خدمت هیچ منفعت یا جناح سیاسی نباشد تا اعتماد و اعتبار قربانیان/بازماندگان به این روندها حفظ گردد.
- حساسیت نسبت به منازعه: درک این نکته که روندهای عدالت می‌تواند بر روابط اجتماعی تأثیر بگذارد، باید از تشدید شکاف‌ها و تنش‌های موجود پرهیز شود.
- مشارکت فعال: قربانیان/بازماندگان باید به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی شناخته شوند که صدا و دیدگاه آنان در شکل‌دهی راهبردها، اولویت‌ها و رویکردهای پاسخ‌گویی نقش تعیین‌کننده دارد.
- اطلاع‌رسانی مستمر: قربانیان/بازماندگان حق دارند از پیشرفت روندهای عدالت به‌طور منظم آگاه باشند؛ این شفافیت باعث تقویت اعتماد و شمولیت می‌شود.
- تکمیل پذیری مکانیسم‌ها: پذیرش این واقعیت که هیچ روند واحدی نمی‌تواند عدالت کامل را فراهم کند و ترکیب سازوکارهای قضایی و غیرقضایی، داخلی و بین‌المللی می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد.
- توقعات واقع‌بینانه: درک اینکه عدالت فرایندی تدریجی است و پیشرفت‌های گام‌به‌گام بخشی مهمی از مسیر دستیابی به عدالت پایدار محسوب می‌شود و می‌تواند امید و مشارکت قربانیان/بازماندگان را حفظ کند.

در نهایت، عدالتِ قربانی/بازمانده‌محور تضمین می‌کند که قربانیان/بازماندگان افغان نه‌تنها در روندهای حقوقی به رسمیت شناخته شوند، بلکه به‌عنوان کنش‌گران فعال در مبارزه با معافیت از مجازات نیز توانمند گردند.



مکانیسم‌های

پاسخ‌گویی قضایی

مکانیسم‌های پاسخ‌گویی قضایی روندهای رسمی و حقوقی‌ای هستند که می‌توانند عاملان نقض‌های جدی را از نظر جزایی پاسخ‌گو ساخته یا دولت‌ها را به‌طور حقوقی در قبال نقض‌های حقوق بین‌الملل مسئول بدانند. این سازوکارها مستلزم رعایت معیارهای مشخص حقوقی و معمولاً نیازمند طی‌کردن روندهایی طولانی و پیچیده هستند؛ با این حال، می‌توانند در نهایت به صدور احکام الزام‌آور منجر شوند.

محكمة بین‌المللی جزایی

محكمة بین‌المللی جزایی (International Criminal Court - ICC) نهادی است که بر اساس «اساس‌نامه رُم» مصوب سال ۱۹۹۸ تأسیس شد و در سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. دفتر مرکزی آن در شهر لاهه هالند قرار دارد و در حال حاضر ۱۲۵ دولت عضو آن هستند. افغانستان از سال ۲۰۰۳ و فلسطین از سال ۲۰۱۵ به این محکمه پیوسته‌اند، در حالی‌که قدرت‌های بزرگ مانند چین، روسیه و ایالات متحده آمریکا عضو آن نیستند. این محکمه مسئول تحقیق و پیگرد افراد مظنون به ارتکاب شدیدترین جرایم بین‌المللی، از جمله نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت تجاوز ارضی است. صلاحیت آن شامل جرایمی می‌شود که پس از ۱ جولای ۲۰۰۲، یعنی زمان لازم‌الاجرا شدن اساس‌نامه رُم، ارتکاب یافته باشند و یا در قلمرو یکی از دولت‌های عضو، یا توسط شهروند یکی از دولت‌های عضو صورت گرفته باشد. محکمه بین‌المللی جزایی‌آخرین مرجع قضایی است؛ به این معنا که تنها زمانی مداخله می‌کند که نهادهای قضایی ملی در رسیدگی به جرایم ناتوان یا بی‌اراده باشند. این محکمه از چهار رکن اصلی تشکیل شده است: ریاست، دیوان‌های قضایی متشکل از ۱۸ قاضی که توسط مجمع دولت‌های عضو انتخاب می‌شوند، دفتر سارنوال و دفتر ثبت. در حال حاضر، بیش از ۹۰۰ کارمند از نزدیک به ۱۰۰ کشور در این محکمه فعالیت دارند.

محرك‌ها: یک تحقیق در محکمه بین‌المللی جزایی می‌تواند از سه طریق آغاز شود: (۱) ارجاع درخواست تحقیق از سوی یکی از دولت‌های عضو به دفتر ژانروال؛ (۲) ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دفتر ژانروال؛ یا (۳) اقدام دادستان محکمه به ابتکار خود (proprio motu)، مشروط بر دریافت مجوز از قضات شعبه مقدماتی.

نتایج و پیامدها: محکمه بین‌المللی جزایی افرادی را که بیشترین مسئولیت را در قبال جرایم بین‌المللی دارند، به‌صورت جزایی پاسخ‌گو می‌سازد. این محکمه می‌تواند احکام جلب صادر کند، محاکمه برگزار نماید و در صورت محکومیت متهم او را مجازات و برای قربانیان/ بازماندگان جبران خسارت قضایی اجرا کند. دستاوردهای محکمه از زمان تشکیل آن تاکنون شامل موارد زیر است: رسیدگی به ۳۳ پرونده (برخی با بیش از یک مظنون)، صدور ۶۱ حکم جلب، بازداشت و حضور ۲۲ متهم در برابر محکمه و صدور ۱۱ حکم محکومیت. با این حال، ۳۰ مظنون همچنان متواری‌اند؛ هشت مظنون فوت کرده و پرونده‌هایشان مختومه شده، و چهار متهم نیز تبرئه گردیده‌اند. چگونگی مشارکت: قربانیان و جامعه مدنی می‌توانند با مستندسازی جرایم و ارائه اطلاعات به دفتر ژانروالی محکمه، مطابق ماده ۱۵، در روندهای محکمه مشارکت کنند. همچنین، قربانیان می‌توانند از طریق نمایندگان قانونی خود در روندهای قضایی شرکت کنند، به‌گونه‌ای که صدای آن‌ها شنیده شده و امکان طرح دعوای جبران خسارت فراهم گردد. دادخواهی جامعه مدنی نیز می‌تواند محکمه را به اولویت‌دهی به جرایم خاص ترغیب کند؛ برای مثال، مدافعان حقوق بشر با پیگیری پرونده‌های مبتنی بر تعذیب جنسیتی این روند را فعال کردند. افزون بر این، جامعه مدنی می‌تواند دولت‌ها را برای همکاری در اجرای بازداشت‌ها، صدور احکام قضایی یا ارجاعات دیگر تحت فشار قرار دهد.

محکمه بین المللی جزایی و افغانستان: محکمه پس از صدور احکام جلب از سوی شعبه مقدماتی دوم در جولای ۲۰۲۵ علیه دو رهبر ارشد طالبان، هبت‌الله آخندزاده (رهبر طالبان) و عبدالحکیم حقانی (قاضی القضاات طالبان)، به‌طور مستقیم با افغانستان مرتبط شده است. این احکام جلب بر اساس اتهامات مربوط به «تعذیب مبتنی بر جنسیت» علیه زنان و دختران افغان و همچنین سایر افرادی که جنسیت‌شان با تعریف طالبان از جنسیت متفاوت است، صادر شده است. این رویداد نقطه عطفی پس از نزدیک به دو دهه تعامل محکمه با افغانستان محسوب می‌شود. جدول زیر، تاریخچه تعاملات محکمه با افغانستان را به ترتیب زمانی از زمان عضویت افغانستان تاکنون، برجسته می‌سازد.

جدول: گام‌های کلیدی محکمه بین المللی جزاییدر پیوند با افغانستان

سال	اقدام
۲۰۰۳	افغانستان اساس‌نامه رم را تصویب و عضو محکمه شد.
۲۰۰۶	دفتر ژانروالی بررسی مقدماتی در مورد افغانستان را آغاز کرد.
۲۰۱۶	دفتر ژانروالی آخرین گزارش بررسی مقدماتی را منتشر و اعلام کرد که به‌زودی برای صدور مجوز تحقیقات کامل مطابق ماده ۱۵ درخواست خواهد کرد.
۲۰۱۷	دفتر ژانروالی رسماً درخواست صدور مجوز تحقیقات کامل را به شعبه مقدماتی تقدیم نمود.
۲۰۱۸	نخستین مشورت با قربانیان پایان یافت؛ بیش از ۶۰۰۰ فرم به نمایندگی از بیش از یک میلیون قربانی افغان و ۲۶ روستا به محکمه ارسال شد. اکثریت قاطع از تحقیق محکمه حمایت کردند.
۲۰۱۹	شعبه مقدماتی درخواست دفتر ژانروالی برای گشودن تحقیق کامل را به دلیل دامنه گسترده آن رد و اعلام کرد که این اقدام در راستای «منافع عدالت» یا منافع قربانیان نیست.
۲۰۲۰	دیوان استیناف تصمیم شعبه مقدماتی را نقض و مجوز تحقیقات رسمی را به دفتر ژانروال اعطا کرد.
۲۰۲۰	دولت افغانستان درخواست تعلیق تحقیقات طبق ماده ۱۸ اساس‌نامه رم را ارائه و اعلام کرد که آماده انجام تحقیقات داخلی است.
۲۰۲۱	دفتر ژانروالی درخواست ازسرگیری تحقیقات را مطرح کرد؛ سارنوال کریم خان اعلام کرد تمرکز بر جرایم جاری طالبان و داعش (شاخه خراسان) خواهد بود و جرایم منسوب به دولت پیشین افغانستان و نیروهای ایالات متحده به دلیل منابع محدود، در اولویت قرار نخواهند گرفت.
۲۰۲۲	دومین مشورت با قربانیان پایان یافت؛ ۱۶ فرم به نمایندگی از حدود ۱۱'۰۰۰ فرد و ۱۳۰ خانواده به ثبت محکمه رسید.
۲۰۲۲	درخواست دفتر ژانروالی برای ازسرگیری تحقیق از سوی قضاات تأیید شد.
۲۰۲۵	دفتر ژانروالی درخواست احکام جلب علیه دو رهبر ارشد طالبان، آخندزاده و حقانی، را به قضاات سپرد. شعبه مقدماتی دوم احکام درخواست‌شده را صادر کرد.

منابع سودمند در مورد محکمه بین‌المللی جزایی

در صفحه «وضعیت افغانستان» در وبسایت ICC اسناد محکمه، معلومات به‌روزشده در مورد وضعیت افغانستان و اطلاعات مشارکت قربانیان قابل‌دسترس است (بخشی از اطلاعات به زبان‌های دری و پشتو است):
<https://www.icc-cpi.int/afghanistan>

تحلیل‌گر افغان، احسان قانع، محکمه را از نزدیک دنبال کرده و در آن مورد برای «شبکه تحلیل‌گران افغانستان» نوشته است. برای دسترسی به آثار او این‌جا ببینید:

[/https://www.afghanistan-analysts.org/en/pubauthor/ehsan-qaane](https://www.afghanistan-analysts.org/en/pubauthor/ehsan-qaane)
[/https://rwi.lu.se/publications/international-criminal-courts-afghanistan](https://rwi.lu.se/publications/international-criminal-courts-afghanistan)

مطالعه‌ای منتشرشده در سال ۲۰۲۴ از سوی «انستیتوت راوول والنبرگ برای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه» با عنوان «پاسخ‌گویی برای نقض حقوق بشر و نقض حقوق بشردوستانه بین‌الملل» نیز منبع مفیدی است:

Accountability-for-Human-Rights-Violations-/۰۱/۲۰۲۵/[https://rwi.lu.se/wp-content/uploads](https://rwi.lu.se/wp-content/uploads/pdf.۱_and-Violations-of-International-Humanitarian-Law-Digital)
pdf.۱_and-Violations-of-International-Humanitarian-Law-Digital

نخستین ویرایش این گزارش، منتشرشده در می ۲۰۲۴:

<https://rawadari.org/papers/avenues-for-justice-for-afghan-victims-of-human-rights-violations>

محكمة بین المللی عدالت

محكمة بین المللی عدالت (International Court of Justice, ICJ) رکن قضایی اصلی ملل متحد است و منازعات حقوقی میان دولت‌های عضو را فیصله می‌کند و به نهادها و بخش‌های ویژه ملل متحد درباره مسائل حقوق بین‌الملل نظرهای مشورتی ارائه می‌دهد. این محکمه که از سال ۱۹۴۶ آغاز به کار کرده است، با محکمه بین‌المللی جزایی متفاوت است؛ در حالی که محکمه بین‌المللی جزایی افراد را برای جرایم بین‌المللی تعقیب می‌کند، محکمه بین‌المللی عدالت دولت‌ها را به سبب نقض حقوق بین‌الملل، از جمله معاهدات حقوق بشری مانند کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان (سیدا) و کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (کت)، پاسخ‌گو می‌سازد.

محرك‌ها: تنها دولت‌ها می‌توانند در این محکمه دعوا اقامه کنند، مشروط بر این‌که هر دو دولت صلاحیت این محکمه را پذیرفته باشند. معمولاً زمانی دعوا طرح می‌شود که یکی از دولت‌های عضو ملل متحد، دولت دیگر را به نقض یک معاهده یا تعهد بین‌المللی متهم سازد. برای نمونه، این محکمه می‌تواند مطابق کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان به شکایات علیه افغانستان رسیدگی کند، زیرا افغانستان این کنوانسیون را بدون شرط پذیرفته و اصل حل اختلاف نزد این محکمه را نیز قبول کرده است. در زمینه حقوق بشر، تمایل رو به افزایشی میان دولت‌های عضو معاهدات حقوق بشری برای طرح دعاوی نزد این محکمه به نمایندگی از گروه‌های متضرر دیده می‌شود؛ برای مثال، دولت گامبیا علیه میانمار در پرونده نسل‌کشی روهینگیا یا دولت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل به‌خاطر نقض کنوانسیون نسل‌کشی در پیوند با فلسطین، نزد این محکمه دعوا اقامه کرده‌اند.

نتایج و پیامدها: این محکمه می‌تواند نقض‌های حقوق بین‌الملل را پایان دهد و در برخی موارد، جبران خسارت، مانند پرداخت غرامت یا تضمین‌های عدم تکرار، به دولت ناقض حکم کند. همچنین، قبل از صدور حکم نهایی می‌تواند احکام احتیاطی به منظور حمایت از حقوق متضرران صادر نماید. تصمیم‌های این محکمه الزام‌آور هستند و در صورت عدم اجرای آن‌ها، موضوع می‌تواند به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود. به طور کلی، این محکمه اقتدار قضایی و سیاسی قابل توجهی دارد و رویه آن بارها توسط سایر محاکم مورد استناد قرار گرفته است. چگونگی مشارکت: جامعه مدنی خود نمی‌تواند نزد این محکمه دعوا اقامه کند، اما می‌تواند یک دولت همسو را برای طرح دعوا تشویق نماید. این شامل دادخواهی و فراهم کردن مستندات برای دولت مایل به اقامه دعوا است. علاوه بر این، جامعه مدنی می‌تواند تخصص و شواهد خود را در اختیار تیم حقوقی دولت قرار دهد و از روندهای محکمه برای جلب توجه رسانه‌ها و افکار عمومی بهره گیرد. همچنین، امکان حضور در جلسات علنی در لاهه، محل استقرار محکمه، وجود دارد و جامعه مدنی می‌تواند از طریق دادخواهی، فشار سیاسی برای اجرای احکام محکمه را حفظ کند.

محكمة بین‌المللی عدالت و افغانستان: افغانستان عضو چندین معاهده از جمله کنوانسیون سیدا و معاهدات دیگر که صلاحیت محکمه برای حل اختلاف را به رسمیت شناخته است، می‌باشد. جامعه مدنی افغان از دولت‌ها خواسته است که به دلیل نقض‌های سیستماتیک حقوق زنان توسط طالبان، پرونده‌ای تحت کنوانسیون سیدا علیه افغانستان اقامه کنند. در سپتامبر ۲۰۲۴، استرالیا، کانادا، آلمان و هلند رسماً قصد خود را برای آغاز روند طرح دعوا علیه افغانستان به دلیل سیاست‌های زن‌ستیزانه طالبان اعلام کردند و بیش از ۲۰ دولت دیگر نیز حمایت و همبستگی خود را با این ابتکار ابراز کردند.

چارت زیر فرایند حل اختلاف طبق ماده ۲۹ کنوانسیون سیدا را نشان می‌دهد: این فرایند با مرحله مذاکره آغاز می‌شود، سپس تلاش برای حکمیت انجام می‌گیرد و در نهایت، در صورتی که هر دو مرحله مذاکره و حکمیت ناکام بماند، موضوع به محکمه بین‌المللی عدالت ارجاع می‌شود.

۴	۳	۲	۱
اختلاف بین دولت‌ها در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون سیدا	مذاکره بین دولت‌های طرف دعوا (این مرحله محدوده زمانی ندارد)	حل اختلاف از طریق حکمیت (این مرحله نباید بیشتر از شش ماه طول بکشد)	طرح دعوا نزد محکمه بین‌المللی عدالت (در صورت ناکام شدن مذاکره و حکمیت)

منابع سودمند در مورد محکمه بین‌المللی عدالت

دستنامه آموزشی محکمه بین‌المللی عدالت:

<https://www.icj-cij.org/sites/default/files/documents/handbook-of-the-court-en.pdf>

پرسش و پاسخ در مورد طرح دعوا نزد محکمه بین‌المللی عدالت به دلیل نقض حقوق زنان و دختران افغان (انگلیسی، دری و پشتو):

<https://rawadari.org/papers/bringing-a-case-before-the-international-court-of-justice-for-the-rights-of-afghan-women-and-girls>

مجموعه نظرات مشورتی و احکام محکمه بین‌المللی عدالت:

۲۴۱۴۰۷۳۲/<https://www.un-ilibrary.org/content/series>

صورت دعوی افریقای جنوبی علیه اسرائیل: ۱۹۲/<https://www.icj-cij.org/case>

صورت دعوی گامبیا علیه میانمار: ۱۷۸/<https://www.icj-cij.org/case>

صورت دعوی مشترک کانادا و هالند علیه جمهوری سوریه عرب: ۱۸۷/<https://www.icj-cij.org/case>

صلاحیت جهانی

صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction) یک اصل حقوقی است که به هر دولت اجازه می‌دهد افراد را به‌خاطر شدیدترین جرایم بین‌المللی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم یا تابعیت مرتکب و قربانی، تعقیب و محاکمه کند. این اصل بر این مبنا شکل گرفته است که برخی جرایم امنیت و منافع بنیادین جامعه بین‌المللی را به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهند. در عمل، قوانین بسیاری از کشورها به محاکم ملی اجازه می‌دهد جرایمی مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و شکنجه را که در خارج از قلمرو آن‌ها ارتکاب یافته‌اند، تحت پیگرد قرار دهند. در طول سه دهه گذشته، بیش از ۲۰ کشور از این صلاحیت برای آغاز تحقیقات و پیگرد استفاده کرده‌اند. برای مثال، در سال ۲۰۲۱، یک محکمه آلمان عضوی از «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» را که در آلمان زندگی می‌کرد، به ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی علیه ایزدی‌ها مجرم شناخت؛ نه متهم و نه قربانیان آلمانی بودند و نه جرایم در قلمرو آلمان ارتکاب یافته بود.

محرك‌ها: یک پرونده تحت صلاحیت جهانی زمانی آغاز می‌شود که مقامات ملی، مانند پولیس یا سارنوالان یک کشور، تصمیم بگیرند فردی را به‌خاطر جرایم بین‌المللی تحقیق یا تعقیب کنند. محرك‌های مشخص تحقیق در کشورهای مختلف متفاوت است: برخی دولت‌ها حضور مظنون در قلمرو خود را ضروری می‌دانند، در حالی که کشورهایمانند آرژانتین چنین شرطی ندارند؛ برخی نیازمند ثبت شکایت توسط قربانیان‌اند و برخی دیگر تصویب لوی سارنوال را لازم می‌دانند. اغلب، شکایات قربانیان یا گزارش‌های نهادهای غیردولتی سارنوالان را به اقدام وا می‌دارد.

نتایج و پیامدها: یک تحقیق جزایی می‌تواند به صدور محکومیت‌ها و مجازات‌های حبس منجر شود. ممکن است جبران خسارت برای قربانیان نیز حکم شود نظر به چارچوب حقوقی کشور اعمال‌کننده گاهی تحقیقات به محاکمه نمی‌انجامد، اما می‌تواند شواهدی را علنی کند که به روشن‌شدن حقیقت کمک کرده و پذیرش گسترده‌تر نقض‌های حقوق بشر را تسهیل کند. شایان ذکر است که چند پرونده مرتبط با جرایم رخ داده در افغانستان، بر اساس صلاحیت جهانی مورد رسیدگی قرار گرفته است. (برای مثال، به جدول ذیل مراجعه شود).

چگونگی مشارکت: قربانیان و نهادهای غیردولتی می‌توانند در پرونده‌های صلاحیت جهانی نقش مهمی ایفا کنند. آنها می‌توانند مرتکبان مقیم یا مسافر به کشورهایی که قوانین شان صلاحیت جهانی را تضمین نموده شناسایی کنند، شکایت ثبت نمایند و شواهد را با مقامات محلی به‌اشتراک بگذارند. به‌کارگیری وکلای مجرب بین‌المللی یا سازمان‌هایی که پرونده‌ها را آماده و با سارنوالان هماهنگ می‌کنند، شانس پیشرفت پرونده را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. قربانیان/بازماندگان و شهود نیز می‌توانند هنگام برگزاری محاکمه‌ها شهادت دهند. برای نمونه، در هالند، قربانیان افرادی را که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در افغانستان مرتکب جنایات جنگی شده بودند، شناسایی، گزارش و علیه آنان شهادت دادند؛ این تلاش‌ها به تحقیقات و سپس محاکمه‌ها منجر شد.

صلاحیت جهانی و افغانستان: جدول زیر چند نمونه از پرونده‌های صلاحیت جهانی مرتبط با افغانستان را فهرست می‌کند.

پرونده	شرح مختصر
حسام‌الدین حسام	رئیس استخبارات نظامی (MIS) یا خاد و معین وزارت امنیت دولتی افغانستان (۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰).
	در هالند به اتهام شکنجه بازداشت‌شدگان در افغانستان مورد تعقیب قرار گرفت.
	در سال ۲۰۰۵ به ۱۲ سال حبس محکوم و در ۲۰۱۵ رها شد.
حبیب‌الله جلال‌زوی	رئیس ریاست بازجویی و تحقیق (MIS) یا خاد از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ و مامور زیر دست حسام‌الدین حسام از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹.
	در هالند، به موازات حسام‌الدین حسام، به خاطر شرکت جرمی در قضایای شکنجه مورد تعقیب قرار گرفت.
	در سال ۲۰۰۵ به ۹ سال حبس محکوم شد.
عبدالله فقیرزاده	افسر پولیس و معاون حسام‌الدین حسام در MIS یا خاد از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹.
	در هالند به خاطر دست‌داشتن در شکنجه بازداشت‌شدگان در افغانستان مورد تعقیب قرار گرفت.
	در سال ۲۰۰۷ به دلیل ناکافی بودن شواهد تبرئه و رها شد.
امان‌الله عثمان	رئیس ریاست بازجویی اداره اطلاعاتی افغانستان (اگسا) عنوان استخبارات قبل از خدمات اطلاعات دولتی (خاد).
	مظنون به شکنجه و دست‌داشتن در ناپدیدسازی‌ها و اعدام‌های هزاران زندانی در افغانستان.
	در سال ۲۰۱۲ اندکی پیش از بازداشت و تعقیب برنامه‌ریزی شده از سوی هالند درگذشت؛ با این‌همه، «فهرست مرگ» ۵۰۰۰ قربانی ناپدیدسازی اجباری را افشا کرد.
صادق عالمیار	قوماندان کندک/واحد ۴۴۴ کوماندوی اردوی افغانستان از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹.
	مظنون به دست‌داشتن در کشتار «کراله» (۱۹۷۹) که در آن صدها تن کشته و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند.
	در سال ۲۰۱۷ از سوی هالند به دلیل ناکافی بودن شواهد تبرئه و رها شد.
عبدالرزاق عریف	مقام ارشد در زندان پل‌چرخ افغانستان (۱۹۸۲-۱۹۸۷)، از جمله رئیس عمومی این زندان.
	در نوامبر سال ۲۰۱۹ در هالند به اتهام شکنجه و ارتکاب جنایات جنگی بازداشت شد.
	محکمه ابتداییه در اپریل سال ۲۰۲۲ او را به ۱۲ سال حبس محکوم کرد، اما محکمه استیناف در جون سال ۲۰۲۴ او را تبرئه نمود. سارنوالی قصد درخواست بازنگری نزد استرهمحکمه را اعلام کرد؛ با این حال، او در مارچ سال ۲۰۲۵ درگذشت و روند محاکماتی پیش از نهایی شدن پرونده بسته شد.

منابع سودمند در مورد صلاحیت جهانی:

دستنامه آموزشی در مورد صلاحیت جهانی: پاسخگو ساختن طالبان برای جرایم بین‌المللی:
Handbook-on-Universal-/۳۸۰۰۸۵۹/۰۰۰۶/https://www.monash.edu/__data/assets/pdf_file
Jurisdiction-Ham-Diley-Campaign.pdf

ابزار صلاحیت جهانی
/https://trialinternational.org/universal-jurisdiction-tools

ابزار شناسایی کشورهای دارای قوانین صلاحیت جهانی، بنیاد کلونی برای عدالت:
/https://projectmeridian.org

محاكمات مجرمين جنگي افغانستان در هالند:
https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/rights-freedom/afghan-war-crimes-trials-
/in-the-netherlands-who-are-the-suspects-and-what-have-been-the-outcomes

محاكمه زرداد فريادي در انگلستان:
https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/rights-freedom/afghan-war-criminal-
/zardad-freed-no-protection-for-witnesses

تعهدات نیروهای خارجی و شرکت های بین المللی

صلاحیت فراسرزمینی بر مبنای «اصل شخصیت فعال» به یک دولت اجازه می‌دهد شهروندان، اعضای نیروهای نظامی یا شرکت‌های خود و همچنین اشخاص مقیم در قلمروش را به‌خاطر جرایم و نقض‌های حقوق بشری که در خارج از قلمرو آن دولت ارتکاب یافته‌اند، تعقیب و محاکمه کند. برخلاف «صلاحیت جهانی» که به ماهیت جرم وابسته است، این اصل بر پیوند شخصی میان مرتکب و دولت تعقیب‌کننده استوار است و بنابراین علاوه بر جرایم اصلی بین‌المللی، جرایم با شدت پایین‌تر را نیز پوشش می‌دهد. این صلاحیت از طریق حقوق داخلی به اجرا گذاشته می‌شود و با معاهداتی مانند کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون بین‌المللی برای مجازات تمویل مالی تروریسم که دولت‌ها را ملزم می‌کند مرتکبان را محاکمه یا مسترد نمایند، پشتیبانی می‌گردد. در افغانستان، این اصل همچنان از طریق موافقت‌نامه‌های چندجانبه و دوجانبه وضعیت نیروها (SOFA) که میان سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ با کشورهای اعزام‌کننده نیرو امضا شده‌اند، مورد تأیید قرار می‌گرفت. محرک‌ها: روندها معمولاً زمانی آغاز می‌شود که سارنوالان ملکی یا نظامی در یک کشور، تحقیق درباره رفتار غیرقانونی ارتکاب‌یافته از سوی شهروندان خود در خارج را باز می‌کنند. محرک‌های تحقیق از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در عمل، شکایات قربانیان یا نهادهای غیردولتی، ارجاعات از سوی پولیس نظامی، افشاگری‌های پارلمانی و تحقیقات رسانه‌ای غالباً محرک گشودن این روند می‌توانند باشد.

نتایج و پیامدها: اعمال این صلاحیت می‌تواند به پاسخ‌گویی کامل جزایی در محاکم ملی منتهی شود. حتی در مواردی که معیارهای جزایی فراهم نشود، ممکن است تدابیر اداری، حقوقی یا انضباطی دیگر اتخاذ گردد و همچنین گزارش‌های عمومی منتشر شود که ارتکاب خطا را به رسمیت شناخته و سوابق تاریخی را حفظ می‌کنند. دولت‌هایی که این صلاحیت را اعمال می‌کنند می‌توانند همکاری اعضای نیروهای نظامی خود را الزام کنند و به سوابق رسمی و اسناد طبقه‌بندی‌شده دسترسی داشته باشند. در مواردی که مظنونان خارج از مرزهای کشور قرار دارند، دولت می‌تواند از دولت ثالث برای بازداشت آنان درخواست همکاری نماید. افزون بر این، در برخی حوزه‌های قضایی، جبران ضرر برای قربانیان/بازماندگان از طریق دعاوی حقوقی مرتبط نیز امکان‌پذیر است.

چگونگی مشارکت: قربانیان/بازماندگان و سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند با شناسایی دولت‌هایی که به افغانستان نیرو فرستاده‌اند و ارائه پرونده‌های جنایی به مقامات ذی‌ربط از جمله شعبات جرایم جنگی، پولیس نظامی، سارنوالان عمومی و قضات، نقش موثری ایفا کنند. تهیه پرونده‌های منظم و جامع که شامل جزئیات رویداد، اطلاعات واحدهای نظامی، فهرست تلفات، سوابق پزشکی، تصاویر ماهواره‌ای و اظهارات شهود باشد، بسیار کمک‌کننده است. در صورتی که محاکم ملی در پیگیری این پرونده‌ها مؤثر نباشند، می‌توان آنها را نزد محاکم منطقه‌ای، مانند محکمه اروپایی حقوق بشر، مطرح کرد؛ برای نمونه، پرونده «حمله هوایی قندوز» که جزئیات آن در جدول پایین آمده است.

صلاحیت فرا سرزمینی و افغانستان: از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، چندین کشور، از جمله ایالات متحده آمریکا و دیگر اعضای ناتو، نیروهای نظامی به افغانستان اعزام کردند. ادعا می‌شود که در این دوره، این نیروها مرتکب انواع نقض‌های حقوق بشر، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت شده‌اند. دولت پیشین افغانستان با دولت‌های اعزام‌کننده نیرو، توافق‌نامه‌های وضعیت نیروها (SOFA) امضا کرد که براساس آن، کارکنان ملکی و نظامی این کشورها در خاک افغانستان در صورت ارتکاب جرایم، توسط افغانستان یا یک طرف ثالث محاکمه نشوند و رسیدگی صرفاً توسط دولت متبوع آنان انجام گیرد. این اصل، که هم از حقوق بین‌الملل و هم از معاهدات

دوجانبه و قوانین داخلی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند ابزاری برای قربانیان/بازماندگان افغان و نهادهای جامعه مدنی باشد تا عدالت را هم در محاکم داخلی و هم از طریق تحقیقات علنی پیگیری کنند.

جدول زیر چند نمونه از قضایایی را ارائه می‌کند که از این مسیر استفاده شده است.

کشور	دوسیه/تحقیق	شرح مختصر
آلمان	پرونده حمله هوایی قندوز	در سپتامبر سال ۲۰۰۹، یک دگروال آلمانی دستور حمله هوایی در ولایت قندوز را علیه دو تانکر تیل ر بوده شده صادر کرد که منجر به تلفات گسترده، از جمله تلفات غیرنظامیان شد. سارنوالان آلمان، اتهامات جزایی احتمالی را بررسی کردند اما از تعقیب فرمانده خودداری نمودند و استدلال کردند که قصد کشتن غیرنظامیان وجود نداشته است. عبدالحنان، پدر دو تن از قربانیان، پس از طی تمام مراحل حقوقی داخلی آلمان، نزد محکمه اروپایی حقوق بشر اقامه دعوا کرد و مدعی شد که آلمان به تعهد خود طبق ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای انجام تحقیق مؤثر درباره سلب حیات عمل نکرده است. در فبروری سال ۲۰۲۱، عالی‌ترین دیوان این محکمه اعلام کرد که آلمان، با توجه به کنترل بر نیروهای مستقر و صلاحیت جزایی در داخل کشور، موظف به انجام تحقیق بوده است. با این حال، محکمه هیچ نقضی در رسیدگی داخلی آلمان نیافت و نتیجه گرفت که تحقیق داخلی با الزامات کنوانسیون مطابقت داشته است. این حکم، پیشنهاد مهمی است که نشان می‌دهد دولت‌های اعزام‌کننده نیرو برای رویدادهای مرگبار در خارج از کشورشان تعهدات تحقیق فراسرزمینی دارند. جزئیات: https://hudoc.echr.coe.int/eng
استرالیا	تحقیقات افغانستان (گزارش بررتون)	میان سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، بازرس کل نیروهای دفاعی استرالیا تحقیقی درباره رفتار نیروهای ویژه آن کشور در افغانستان انجام داد و اطلاعات قابل پذیرشی از قتل غیرقانونی ۳۹ تن در جریان جنگ افغانستان گزارش کرد. حکومت استرالیا سپس در سال ۲۰۲۰ دفتر بازرس ویژه را برای پیگردهای جزایی با پولیس فدرال استرالیا تأسیس کرد. در مارچ ۲۰۲۳، یک سرباز پیشین خدمت هوایی ویژه، Oliver Schulz، به اتهام جنایت جنگی قتل برای کشتار سال ۲۰۱۲ در ارزگان بازداشت و متهم شد. این محکومیت نخستین نتیجه این تحقیق است. روند تحقیق با پرونده‌های بیشتر ادامه دارد. جزئیات در وبسایت دفتر بازرس ویژه: https://www.osi.gov.au

هالند	پرونده چوره	در جریان نبرد سال ۲۰۰۷ چوره (ارزگان)، نیروهای هالندی یک قلعه (مجمع مسکونی) را بمباران کردند. قربانیان/بازماندگان بمباران علیه دولت هالند در لاهه اقامه دعوا کردند. در ۲۳ نوامبر ۲۰۲۲، محکمه ابتداییه حکم داد که بمباران ناقض قاعده تمایز بین هدف غیرنظامی از نظامی ذیل حقوق بین الملل بشردوستانه بوده و دولت هالند را از حیث مسئولیت مدنی مسئول شناخت. در ۳ فبروری ۲۰۲۳، دولت هالند اعلام کرد که استیناف خواهی نمی کند و به شاکیان غرامت می پردازد. حکم محکمه را این جا ببینید: https://uitspraken.rechtspraak.nl/details?id=ECLI:NL:RBD ۲۰۲۲:۱۲۴۲۴:HA
ایالات متحده	گزارش شکنجه سنا و محاکمات	در سال ۲۰۱۴، کمیته اطلاعات مجلس سنای ایالات متحده امریکا خلاصه یافته های خود در مورد برنامه بازداشت و بازجویی اداره استخبارات مرکزی امریکا (CIA) را منتشر نمود. این گزارش، موارد متعدد نقض حقوق بشر و رفتارهای غیرقانونی را مستندسازی کرده و اعمالی را برجسته ساخت که به گونه مستقیم با افغانستان مرتبط بوده و همچنین خلأهای موجود در نظام پاسخ گویی و مسئولیت پذیری را آشکار ساخت. یافته های این گزارش به صورت عمومی منتشر گردید و به عنوان منبع معتبر و مهم برای بررسی مقدماتی دفتر ژانوال محکمه بین المللی جزایی (ICC) در رابطه با وضعیت افغانستان مورد استفاده قرار گرفت. بر بنیاد قانون یکنواخت عدالت نظامی ایالات متحده (Uniform Code of Military Justice – UCMJ)، اعضای نیروهای نظامی امریکا می توانند به دلیل ارتکاب جرایم در خارج از قلمرو آن کشور مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار گیرند. به عنوان نمونه، تحویل دار ارشد ارتش ایالات متحده، رابرت بیلز (Sgt. Robert Bales)، در پی ارتکاب قتل ۱۶ غیرنظامی افغان در ولایت قندهار در سال ۲۰۱۲ به جرم خود اعتراف نموده و به حبس ابد بدون امکان آزادی مشروط محکوم گردید. علاوه بر آن، قانون صلاحیت قضایی فرامرزی نظامی (Military Extraterritorial Jurisdiction Act – MEJA) صلاحیت قضایی ایالات متحده را به منظور تعقیب جزایی پیمانکاران ملکی (غیرنظامی) امریکایی در خارج از کشور توسعه می دهد. در سال ۲۰۱۱، دو تن از پیمانکاران شرکت بلکواتر به نام های جاستیس کنن (Justice Cannon) و کورپس کریستی (Christi Corpus) به اتهام قتل غیرعمد در پیوند با حادثه تیراندازی سال ۲۰۰۹ در شهر کابل که منجر به قتل دو فرد ملکی و زخمی شدن یک فرد دیگر گردید، محکوم شدند. خلاصه این گزارش از طریق لینک ذیل قابل دسترس می باشد: https://www.intelligence.senate.gov/wp-content/uploads/pdf.۱۱۳srpt۲۸-sites-default-files-documents-crpt

بررسی راه‌های مرتبط دیگر (پاسخ‌گویی شرکت‌ها و دعوای مدنی در ایالات متحده): برخی نظام‌های حقوق داخلی، شرکت‌ها را نیز، (نه صرفاً افراد مرتکب)، از نظر مسئولیت جزایی تحت پیگرد قرار می‌دهند. در فرانسه، دیوان عالی اتهام‌های معاونت در جنایت علیه بشریت علیه شرکت Lafarge SA را در ارتباط با فعالیت‌های آن در سوریه تأیید کرد. در سوئد، دو مدیر شرکت Lundin Energy، شامل رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل پیشین، به‌خاطر معاونت و مشارکت در جنایات جنگی در جنوب سودان طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ تحت بازپرسی جزایی قرار گرفتند و محاکمه آن‌ها در سپتامبر ۲۰۲۳ در استکهلم آغاز شد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که پاسخ‌گویی شرکت‌ها در قبال نقض‌های جدی تحت قوانین ملی امکان‌پذیر است و سابقه‌ای ارائه می‌کند که می‌تواند برای افغانستان، به‌ویژه در زمینه پیمانکاران نظامی خصوصی، مرتبط باشد.

ذیل قانون دعوای مدنی بیگانگان (Alien Tort Statute – ATS)، محاکم ایالات متحده به‌طور تاریخی مجرای برای قربانیان خارجی فراهم کرده‌اند تا دعوای مدنی مرتبط با نقض‌های حقوق بشر خارج از آمریکا را پی‌گیری کنند. تقریباً ۲۵ پرونده به احکام مالی منجر شده است و به شناسایی حقوقی نقض‌های حقوق بین‌الملل کمک کرده‌اند. با این حال، تصمیم‌های اخیر محکمه عالی، از جمله Jesner، Kiobel و Nestle، دامنه اعمال فراسرزمینی این قانون را به‌طور چشمگیری محدود کرده و مسیرهای اقامه دعوا علیه شرکت‌ها را کاهش داده‌اند. راه دیگر، قانون حمایت از قربانیان شکنجه است که هنوز امکان اقامه دعوا در آمریکا را فراهم می‌کند، اما تنها علیه اشخاص حقیقی قابل اعمال است و شامل شرکت‌ها نمی‌شود.

منابع سودمند:

تعریف صلاحیت فراسرزمینی در دایرةالمعارف‌های مکس پلانک حقوق بین‌الملل:
<https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/opil/law:epil/10.1093/law/9780199231690-law/9780199231690-040>

گزارش بررتون و پوزش‌خواهی وزیر دفاع استرالیا
<https://www.defence.gov.au/about/reviews-inquiries/afghanistan-inquiry>

گزارش‌های یوناما درباره تلفات غیرنظامیان:
<https://unama.unmissions.org/reports-protection-civilians-armed-conflict>

توافق‌نامه وضعیت نیروها (SOFA) افغانستان-ناتو ۲۰۱۴: https://www.nato.int/cps/en/natohq/htm?selectedLocale=en.116072_official_texts

محدودیت‌های مکانیسم‌های پاسخ‌گویی قضایی

مکانیسم‌های قضایی مسیرهای حیاتی برای دستیابی به عدالت فراهم می‌کنند، اما در عین حال با موانعی روبه‌رو هستند که می‌تواند تحقق پاسخ‌گویی را دشوار سازد. شناسایی و درک این دشواری‌ها به کنشگران و نهادهای جامعه مدنی کمک می‌کند تا گزینه‌های واقع‌بینانه‌تر را برگزینند، انتظارات قربانیان/بازماندگان را مدیریت کنند و راهبردهایی طراحی نمایند که چالش‌های سیاسی، حقوقی و عملی را نیز در نظر بگیرد.

محدودیت‌های مشترک در همه مکانیسم‌ها

اراده سیاسی: بیشتر این مکانیسم‌ها به همکاری دولت‌ها وابسته‌اند. در نبود تعهد سیاسی، روند تحقیقات متوقف می‌شود و احکام صادره اجرا نشده باقی می‌مانند.

شکاف‌های اجرایی: احکام جلب، آرای محکمه بین‌المللی عدالت یا دستورات مربوط به پرداخت جبران خسارت ممکن است اجرا نشوند، به‌ویژه زمانی که مظنونان در قدرت باشند، از سوی متحدان خود حمایت شوند، یا خارج از حوزه قضایی دولت‌های همکار قرار داشته باشند.

روندهای طولانی: فرایندهای رسیدگی غالباً پیچیده‌اند و ممکن است سال‌ها یا حتی دهه‌ها به طول انجامند، در نتیجه قربانیان/بازماندگان مدت طولانی در انتظار عدالت می‌مانند.

مشکلات شواهد: گردآوری شواهد قابل پذیرش در خارج از مرزها، به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به جرایم گذشته کاری دشوار، پیچیده و پرهزینه است.

دسترسی قربانیان: قربانیان/بازماندگان در تعامل با محاکم با موانعی مانند تفاوت زبانی، محدودیت‌های مالی، پیچیدگی‌های حقوقی و خطرات امنیتی روبه‌رو می‌شوند.

محدودیت‌های ویژه هر مکانیسم

محکمه بین‌المللی جزایی: (۱) دامنه محدود شده تحقیقات: دفتر ثارنوالی محکمه بین‌المللی جزایی در حال حاضر، به دلیل محدودیت منابع، رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با ایالات متحده آمریکا و حکومت پیشین افغانستان را در اولویت نداده و رسیدگی به جرایم منسوب به طالبان و شاخه خراسان گروه دولت اسلامی (ISKP) را در اولویت قرار داده است. (۲) عدم همکاری: گروه طالبان، صلاحیت محکمه بین‌المللی (ICC) را به رسمیت نمی‌شناسد و از این طریق روند تحقیقات و فعالیت‌های میدانی و ارتباطاتی محکمه در قلمرو افغانستان را به‌گونه مؤثر مسدود نموده است. همچنان، ایالات متحده آمریکا با محکمه بین‌المللی جزایی مخالفت داشته و در حال حاضر، علیه مقامات و حامیان این نهاد تحریم‌هایی را وضع نموده است.

محکمه بین‌المللی عدالت: (۱) دسترسی محدود به دولت‌ها؛ تنها دولت‌ها می‌توانند در این محکمه طرح دعوا کنند و قربانیان یا نهادهای جامعه مدنی صلاحیت اقامه مستقیم دعوا را ندارند. بنابراین، لازم است یک دولت پشتیبان دعوا را به‌نماینده‌گی از قربانیان اقامه کند، اما تاکنون هیچ دولت اسلامی به‌عنوان دولت شاکی در قضیه بالقوه کنوانسیون سیدا علیه افغانستان وارد نشده است. (۲) انسدادهای سیاسی؛ اجرای احکام این محکمه به شورای امنیت سازمان ملل متحد وابسته است، جایی که قدرت‌های دارای حق وتو از جمله روسیه، ایالات متحده و چین

می‌توانند مانع اجرای تصمیمات شوند.

صلاحیت جهانی: ۱) قاعده حضور: بسیاری از دولت‌ها قبل از آن‌که یک قضیه قابل تحقیق گردد، حضور فیزیکی مظنون را در قلمرو خود (یا احتمال حضور او را) شرط می‌دانند. ۲) موانع مربوط به شواهد؛ مستندسازی و دسترسی به شهود در خصوص جرایمی که سال‌ها پیش رخ داده‌اند، برای نمونه در دهه ۱۹۷۰ بسیار دشوار است. ۳) حساسیت سیاسی؛ در برخی موارد، دادستان‌ها ممکن است در پی‌گیری پرونده‌ها علیه مقام‌های پیشین افغان یا بازیگران قدرتمندی که با دولت‌های خارجی ارتباط دارند، با تردید و احتیاط عمل کنند. ۴) مشکلات اجرای احکام؛ اجرای احکام جلب یا احکام نهایی در مواردی که متهم در قلمرو دولت پی‌گردکننده حضور ندارد یا در گذشته است، با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود.

صلاحیت فراسرزمینی (اصل شخصیت فعال): ۱) محرمانگی نظامی؛ دسترسی به اسناد و اطلاعات کلیدی مانند دفاتر ثبت عملیات، داده‌های هدف‌گیری و پرونده‌های طبقه‌بندی‌شده معمولاً با محدودیت‌های جدی مواجه است. ۲) خطر جانب‌داری سیاسی؛ دولت‌ها ممکن است برای جلوگیری از شرمساری یا پیامدهای سیاسی، از سربازان یا پیمان‌کاران نظامی خود در برابر پیگرد قضایی حمایت کنند. ۳) پاسخ‌گویی محدود؛ هرچند برخی تحقیقات وقوع نقض‌ها را می‌پذیرند، اما پیگردها معمولاً نادر، گزینشی و در مواردی نمادین هستند.



مکانیسم‌های

پاسخ‌گویی غیرقضایی



سازوکارهای پاسخ‌گویی غیرقضایی با مستندسازی نقض‌های حقوق بشر، حفظ خاطرات جمعی، بازتاب دادن صدای قربانیان/بازماندگان و شکل‌دهی به هنجارهای بین‌المللی، نقش مکملی در کنار مسیرهای قضایی ایفا می‌کنند. این سازوکارها در حفظ دیده‌شدن نقض‌ها، اعتباربخشی به تجربه‌های قربانیان و فراهم‌سازی زمینه برای تلاش‌های قضایی پاسخ‌گویی اهمیت اساسی دارند. آن‌ها می‌توانند از طریق روندهای تحت رهبری سازمان ملل متحد از جمله گزارشگران ویژه، شورای حقوق بشر و دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر، و نیز از رهگذر ابتکارهای جامعه مدنی مانند محکمه‌های مردمی، برنامه‌های مستندسازی، پروژه‌های یادبود و فعالیت‌های دادخواهی عمل کنند. در مجموع، این مکانیسم‌ها تضمین می‌کنند که حتی در صورت بروز مانع یا تأخیر در تحقق عدالت رسمی، مطالبات قربانیان/بازماندگان برای حقیقت و به رسمیت شناختن همچنان در مرکز توجه تعاملات بین‌المللی درباره افغانستان باقی بماند.

مکانیسم‌های ملل متحد

ملل متحد ارتقای پاسخ‌گویی در قبال نقض‌های جدی حقوق بشر، از جمله در افغانستان، را به صورت مستمر دنبال می‌کند. این سازمان به طور مستقیم مرتکبان را تحت پیگرد جزایی قرار نمی‌دهد، بلکه از طریق نظارت، مستندسازی، تحقیق و گزارش‌دهی در زمینه نقض‌های حقوق بشر فعالیت می‌نماید و هم‌زمان با اعمال فشار دیپلماتیک بر دولت‌ها و مقامات، از اجرای تعهدات بین‌المللی آنان حمایت می‌کند. ملل متحد از رهگذر ارکان مبتنی بر منشور مانند شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر، همچنین از طریق سازوکارهای معاهده‌ای و نهادهای عملیاتی نظیر دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر و هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، بسترهایی برای برجسته‌سازی موارد نقض، شکل‌دهی به هنجارهای بین‌المللی و آماده‌سازی شواهد برای روندهای قضایی فراهم می‌سازد.

جامعه مدنی افغانستان و قربانیان/بازماندگان می‌توانند با ارائه اطلاعات، گزارش‌های سایه، شهادت‌ها و همچنین دادخواهی‌هایی که روند گزارش‌دهی، مباحثات و قطع‌نامه‌ها را هدایت می‌کنند، به این مکانیسم‌ها دسترسی یابند. هرچند این تلاش‌ها مستقیماً به پیگرد قضایی نمی‌انجامد، اما در حفظ سوابق، اعتباربخشی به صدای قربانیان و تشویق دولت‌ها و محاکم مختلف برای اقدام، نقش مهمی ایفا می‌کند. این گزارش‌ها به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژه ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان، دفتر حقوق بشر یوناما و مکانیسم مستقل تحقیقاتی تازه تأسیس برای افغانستان ارائه می‌شود.

شورای حقوق بشر

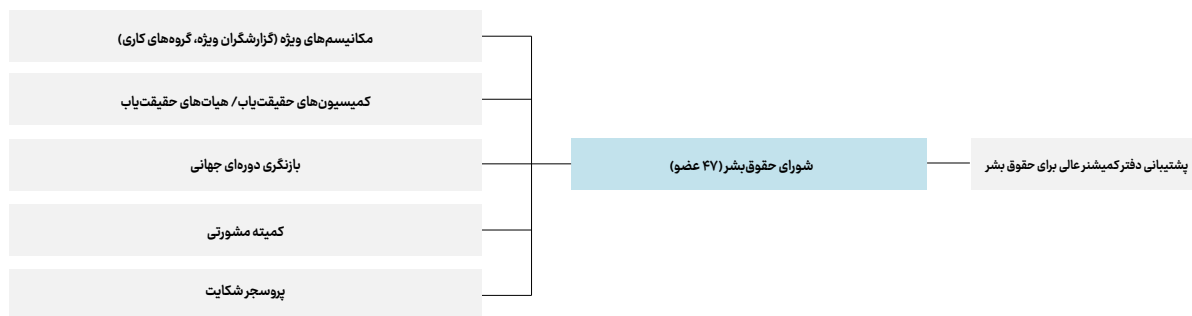
شورای حقوق بشر، نهاد بین‌الدولی سازمان ملل متحد با ۴۷ عضو و مستقر در جنوا، مسئول ترویج و حمایت از حقوق بشر در سراسر جهان است. از جمله فعالیت‌های این شورا، بازنگری دوره‌ای جهانی (UPR) کشورهای عضو سازمان ملل و ایجاد مکانیسم‌های ویژه شامل گزارشگران ویژه با مأموریت‌های کشوری یا موضوعی است. محرک‌ها: شورای حقوق بشر از طریق قطع‌نامه‌هایی که توسط دولت‌های عضو پیشنهاد می‌شوند و غالباً واکنشی به گزارش‌های نهادهای سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی یا بحران‌های رو به وخامت هستند، عمل می‌کند. برای نمونه، در سال ۲۰۲۱، این شورا با تصویب قطع‌نامه ۱/۴۸ مأموریت کنونی گزارشگر ویژه درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان را ایجاد کرد.

نتایج و پیامدها: این شورا قطع‌نامه صادر می‌کند، مأموریت‌ها را ایجاد می‌کند و می‌تواند مکانیسم‌های مستقل تحقیقاتی مانند مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای میانمار (IIMM) یا مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای افغانستان

(IIM-A) را ایجاد نماید. همچنان می‌تواند فشارهای سیاسی را شکل دهد و از روندهای قضایی پشتیبانی کند. چگونگی مشارکت: این شورا هر سال سه نشستِ عادی برگزار می‌کند (فبروری، جون و سپتامبر) که هرکدام چهار هفته به طول می‌انجامد و در وضعیت‌های اضطراری می‌تواند نشست‌های ویژه نیز دایر کند. نهادهای جامعه مدنی می‌توانند با ارسال بیانیه‌ها، اطلاع‌رسانی به دولت‌ها و سازمان‌دهی نشست‌های حاشیه با این شورا تعامل و همکاری کنند.

شورای حقوق بشر و افغانستان: این شورا یکی از مجامعی است که نقض‌های حقوق بشر از سوی طالبان غالباً در آن مورد بحث قرار می‌گیرد و مأموریت گزارشگر ویژه افغانستان را سالانه تمدید می‌کند. نهادهای جامعه مدنی افغان از این شورا برای فشار به اتخاذ پاسخ‌های قوی‌تر استفاده می‌کنند، از جمله درخواست ایجاد یک مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای افغانستان. هرچند در بسیاری موارد شورای حقوق بشر قادر به اجرای مستقیم قطع‌نامه‌های خود نیست، اما نظارت را ادامه می‌دهد و از پاسخ‌گویی گسترده‌تر پشتیبانی می‌کند.

ساختار سازمانی شورای حقوق بشر



مکانیسم مستقل تحقیقاتی ملل متحد برای افغانستان

در ۶ اکتبر ۲۰۲۵، شورای حقوق بشر مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای افغانستان را ایجاد کرد. مأموریت این مکانیسم شامل گردآوری، یکپارچه‌سازی، نگهداری و تحلیل شواهد مربوط به جنایات جدی بین‌المللی و شدیدترین نقض‌های حقوق بین‌الملل، از جمله حقوق بشر بین‌الملل، شناسایی مرتکبان احتمالی و تهیه پرونده‌های قابل پذیرش در محاکم ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی از جمله نزد محکمه بین‌المللی جزایی و محکمه بین‌المللی عدالت است. انتظار می‌رود این مکانیسم قادر باشد جرایمی را که در گذشته توسط همه بازیگران ارتکاب یافته، هم‌اکنون در حال ارتکاب است یا در آینده ممکن است ارتکاب یابد، پوشش دهد.

محرك‌ها: این مکانیسم با قطع‌نامه ۹/۱۰ شورای حقوق بشر که به صورت جمعی پذیرفته شد، ایجاد گردید. کار آن به‌گونه پیش‌دستانه بر مبنای همین قطع‌نامه پیش می‌رود؛ برای آغاز گردآوری و نگهداری شواهد، به ارجاعات جداگانه دولتی یا نهادی نیاز ندارد.

نتایج و پیامدها: این مکانیسم حداقل قادر است: (۱) پرونده‌های مستند و مستدل را مطابق معیارهای حقوق جزا برای استفاده در محاکم ملی (از جمله تحت اصول صلاحیت جهانی و فراسرزمینی)، محاکم منطقه‌ای مانند محکمه اروپایی حقوق بشر (برای نمونه، قضیه حمله هوایی قندوز) و محاکم بین‌المللی (از جمله محکمه بین‌المللی جزایی و محکمه بین‌المللی عدالت) فراهم کند؛ (۲) مظنونان را شناسایی و با دادستان‌ها همکاری

نماید؛ و ۳) رویه‌های قربانی/بازمانده‌محور و جنسیت‌محور را به‌کار گیرد تا مشارکت و حفاظت قربانیان/بازماندگان تضمین شود. این مکانیسم همچنین می‌تواند هزینه‌های سیاسی نقض‌های جاری را افزایش دهد و به پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات کمک کند.

چگونگی مشارکت: نهادهای جامعه مدنی می‌توانند: ۱) دولت‌های پشتیبان و نهادهای ملل متحد را برای تقویت منابع و همکاری با مکانیسم مطلع سازند؛ ۲) مستندسازی را مطابق استانداردهای تحقیقاتی این مکانیسم انجام دهند، از جمله رعایت زنجیره حفاظت و تحویل شواهد، متاداده، و تأیید مدارک و شهادت؛ ۳) پرونده‌ها و اطلاعات را به مکانیسم ارسال کنند؛ و ۴) به‌طور علنی دادخواهی کنند تا حمایت فرامنطقه‌ای پایدار حفظ شود.

مکانیسم تحقیقاتی مستقل برای افغانستان و نقش آن: ابزارهای موجود ملل متحد، مانند گزارشگر ویژه و یوناما، نقض‌های حقوق بشر را مستندسازی و نگهداری می‌کنند، اما برای ایجاد پرونده‌های قابل پذیرش در محاکم طراحی نشده‌اند. مکانیسم تحقیقاتی مستقل برای افغانستان این شکاف را با نگهداری شواهد برای محاکمه‌های آینده و تقویت تلاش‌های پاسخ‌گویی در حال اجرا پر می‌کند. هرچند همکاری مؤثر و دسترسی به اطلاعات و مناطق عملیاتی همچنان چالش‌برانگیز خواهد بود، حمایت گسترده در شورای حقوق بشر و میان سازمان‌های غیردولتی نشان‌دهنده توجه ویژه به این مکانیسم است. در می ۲۰۲۱، پس از حمله خونین به یک مکتب دخترانه در کابل که جامعه هزاره را هدف قرار داد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این حمله را «نسل‌کشی» خواند و خواستار ایجاد یک مکانیسم تحقیقاتی مستقل ملل متحد شد. از آن زمان، نهادهای غیردولتی افغان نقش مؤثری در دادخواهی برای ایجاد این مکانیسم ایفا کرده‌اند.

الگوی این مکانیسم از مکانیسم بین‌المللی بی‌طرف و مستقل برای سوریه (قطع‌نامه ۲۴۸/۷۱ مجمع عمومی) و مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای میانمار (قطع‌نامه ۲/۳۹ شورای حقوق بشر) پیروی می‌کند که با تهیه دوسیه‌ها مطابق معیارهای حقوق جزا از تعقیب عدلی و قضایی پشتیبانی می‌کنند. جزئیات بیشتر در مورد این دو مکانیسم در جدول زیر آمده است.

مکانیسم	نهادهای موسس	ماموریت	اهمیت
مکانیسم بین‌المللی، بی‌طرف و مستقل برای سوریه	قطع‌نامه ۲۴۸/۷۱ مجمع عمومی ملل متحد (۲۱ دسامبر ۲۰۱۶)	گردآوری، یک‌پارچه‌سازی، نگهداری و تحلیل شواهد جرایم جدی ارتکاب‌یافته در سوریه از مارچ ۲۰۱۱ به این سو؛ تهیه دوسیه‌ها برای استفاده در روندهای جزایی ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی.	نخستین مکانیسم پاسخ‌گویی از این نوع که توسط مجمع عمومی ایجاد شده است؛ به معیارهای حقوق جزا عمل می‌کند تا از پیگرد عدلی و قضایی پشتیبانی کند.

مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای میانمار	قطعنامه ۲/۳۹ شورای حقوق بشر ملل متحد (سپتامبر ۲۰۱۸)	گردآوری و نگهداری شواهد، شناسایی مرتکبان احتمالی و تهیه دوسیه‌های قضایی برای جرایم جدی بین‌المللی ارتكابی در میانمار از ۲۰۱۱، برای ارسال به محاکم صلاحیت‌دار (ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی).	مکانیسم «خواهر» با مکانیسم برای سوریه، مأموریت گرفته از شورای حقوق بشر؛ محور تلاش‌های پاسخ‌گویی برای جرایم علیه روینگیا و دیگران در میانمار.
-------------------------------------	---	---	--

گزارشگر ویژه ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه ملل متحد در امور افغانستان، که در اپریل ۲۰۲۲ از سوی شورای حقوق بشر منصوب شد، کارشناس مستقلی است که مأموریت او شامل نظارت بر وضعیت حقوق بشر در افغانستان، ارائه گزارش و پیشنهاد توصیه‌هایی برای بهبود آن است. این مأموریت که در ابتدا در اکتبر ۲۰۲۱ ایجاد شد، از آن زمان تاکنون هر سال تمدید شده است.

محرك‌ها: مأموریت گزارشگر ویژه ماهیتی پیش‌دستانه و جاری دارد؛ به این معنا که گزارشگر برای اقدام نیازی به دریافت شکایت رسمی یا ارجاع ندارد، بلکه می‌تواند بر اساس اطلاعاتی که از قربانیان/بازماندگان، سازمان‌های جامعه مدنی، دولت‌ها و نهادهای ملل متحد دریافت می‌کند، عمل کند. او همچنین می‌تواند به ابتکار خود تحقیق‌ها، مکاتبات و گزارش‌دهی‌های موضوعی را آغاز نماید.

نتایج و پیامدها: گزارشگر ویژه گزارش‌های علنی درباره جزئیات نقض‌های حقوق بشری منتشر می‌کند، نامه‌های موضوعی به مقامات می‌فرستد و نشست‌های اطلاع‌رسانی برای نهادهای ملل متحد برگزار می‌نماید. این گزارش‌ها برای نشر در رسانه‌ها، دادخواهی جامعه مدنی، مباحثات دیپلماتیک و قطع‌نامه‌های شورای حقوق بشر هستند و غالباً در مباحثات مرتبط با پاسخ‌گویی در مراجع قضایی از جمله محکمه بین‌المللی جزای مورد استناد قرار می‌گیرند.

چگونگی مشارکت: جامعه مدنی می‌تواند اسناد و شواهد مستند، شهادت‌های قربانیان/بازماندگان و یادداشت‌های تحلیلی خود را در اختیار گزارشگر ویژه قرار دهد. همچنین می‌تواند او را برای حضور در نشست‌ها و گردهمایی‌هایشان دعوت کنند تا مستقیماً روایت‌ها و توصیه‌های قربانیان/بازماندگان و فعالان را بشنود. در مقابل، گزارشگر ویژه نیز درباره مأموریت و فعالیت‌های خود به آنان آگاهی می‌دهد و راه‌های همکاری مؤثر را تشریح می‌کند.

گزارشگر ویژه و افغانستان: گزارشگر ویژه به یکی از معتبرترین صداها بین‌المللی در زمینه بحران حقوق بشر در افغانستان بدل شده است. گزارش‌های او به‌طور مستمر نقض‌های نظام‌مند حقوق بشر از سوی طالبان به‌ویژه علیه زنان، دختران و دیگر گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده را مستندسازی کرده و این اعمال را به‌عنوان تعذیب مبتنی بر جنسیت و آپارتاید جنسیتی توصیف کرده است. برای برجسته‌سازی این بحران و حفظ فشار بین‌المللی به‌منظور پایان‌دادن به آن، گزارشگر ویژه با دیگر دارندگان مأموریت‌های ویژه مرتبط با افغانستان از نزدیک همکاری و هماهنگی می‌کند. چند نمونه از این مأموریت‌ها در جدول زیر آمده است:

دیگر دارنده‌گان مأموریت ویژه مرتبط با افغانستان

مأموریت	ساحه پوشش	آدرس تماس
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره خشونت علیه زنان و دختران، علل و پیامدهای آن	خشونت مبتنی بر جنسیت، تبعیض، تعهدات دولت‌ها برای حمایت از زنان	hrc-sr-vaw@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز	شکنجه، بدرفتاری در بازداشت، تعهدات پاسخ‌گویی دولت‌ها	hrc-sr-torture@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره حقوق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و تشکل/انجمن	تظاهرات، انجمن‌ها/سازمان‌های جامعه مدنی، فراهم کردن فضای مدنی	hrc-sr-freeassembly@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره ترویج و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان	آزادی رسانه، بیان، سانسور	hrc-sr-freedex@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره اعدام‌های فراقضایی، فوری یا خودسرانه	قتل‌های غیرقانونی، تهدید به مرگ، به کارگیری زور	hrc-sr-eje@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد در امور اقلیت‌ها	حقوق اقلیت‌های قومی/دینی/زبانی	hrc-sr-minorityissues@un.org
گزارشگر ویژه ملل متحد درباره حق آموزش	دسترسی به آموزش، تبعیض، بستن مکاتب	hrc-sr-education@un.org

واحد خدمت حقوق بشر دفتر کمیشنری عالی برای حقوق بشر

واحد خدمت حقوق بشر در چارچوب هیأت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) به عنوان حضور میدانی و یکپارچه دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر ملل متحد فعالیت می‌کند. مأموریت آن به طور مشخص شامل نظارت، مستندسازی، تحلیل و گزارش‌دهی درباره وضعیت حقوق بشر در سراسر افغانستان، و نیز دادخواهی و ارائه همکاری فنی با نهادها و بازیگران مرتبط است. در اصل، این فعالیت‌ها از اهداف گسترده‌تر سیاسی، انکشافی و پایداری ملل متحد در کشور پشتیبانی می‌کند. این نهاد در ولایات مختلف افغانستان حضور فعال دارد.

محرك‌ها: این واحد در چارچوب یک مأموریت دایمی و پیش‌دستانه فعالیت می‌کند که در قطع‌نامه‌های پی‌درپی شورای امنیت ملل متحد درباره یوناما تعریف شده است. نقش آن به صورت سازمان‌یافته مستندسازی وضعیت حقوق بشر و ارائه گزارش‌های منظم در این زمینه است. برای انجام این مأموریت، نیازی به دریافت شکایت یا دستور از نهادها یا افراد دیگر ندارد.

نتایج و پیامدها: این واحد نقض‌های حقوق بشر را مستندسازی کرده و به طور منظم درباره وضعیت عمومی حقوق بشر در افغانستان اطلاع‌رسانی می‌کند. همچنین گزارش‌های موضوعی در حوزه‌هایی چون حفاظت از افراد ملکی، حقوق زنان، حقوق بازداشت‌شدگان، آزادی‌های اساسی، و وضعیت اقلیت‌ها و کودکان منتشر می‌سازد. این گزارش‌ها به عنوان منبعی معتبر برای دیپلماسی و تلاش‌های پاسخ‌گویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر آن، این نهاد با مقامات دی‌فاکتو طالبان درباره ضرورت تحقیق، دسترسی به عدالت و رعایت تعهدات حقوق بشری دادخواهی می‌کند.

چگونگی مشارکت: سازمان‌های جامعه مدنی و قربانیان/بازماندگان می‌توانند اطلاعات مربوط به نقض‌های حقوق بشر، به ویژه مواردی که با اولویت‌های این واحد هم‌راستا است، را به آن ارسال کنند.

از زمانی که طالبان دوباره کنترل افغانستان را به دست گرفتند، این واحد یکی از معدود منابع معتبر گزارش‌دهی نقض‌های حقوق بشر در کشور بوده است، به ویژه درباره ممنوعیت آموزش دختران، محدودیت‌های رفت‌وآمد زنان، بازداشت‌های خودسرانه و ناپدیدسازی‌های اجباری. یافته‌های آن فشار بین‌المللی را حفظ می‌کند و زیربنای تلاش‌ها برای پاسخ‌گویی و دادخواهی در زمینه حقوق بشر است.

منابع سودمند درباره مکانیسم‌های پاسخ‌گویی ملل متحد:

فهرست و معرفی مکانیسم‌ها و ابزار حقوق بشر ملل متحد:

<https://www.ohchr.org/en/instruments-and-mechanisms>

دفتر کمیشنری عالی برای حقوق بشر در افغانستان:

<https://www.ohchr.org/en/countries/afghanistan/our-presence>

نهادهای جامعه مدنی و دفتر کمیشنری عالی برای حقوق بشر:

<https://www.ohchr.org/en/resources/civil-society>

گزارشگر ویژه برای وضعیت حقوق بشر در افغانستان:

<https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-afghanistan>

قطع نامه ۹/۱۰ تاسیس کننده مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای افغانستان:

[Pages/resolutions.aspx/10/https://hrcmeetings.ohchr.org/HRCSessions/RegularSessions](https://hrcmeetings.ohchr.org/HRCSessions/RegularSessions/Pages/resolutions.aspx/10)

نامه نهادهای جامعه مدنی برای ایجاد مکانیسم مستقل تحقیقاتی برای افغانستان:

<https://rawadari.org/statements/call-for-an-immediate-halt-to-the-mass-deportation-of-afghans-in-violation-of-international-law>

ابتکارهای جامعه مدنی



PEOPLE'S TRIBUNAL FOR
WOMEN OF AFGHANISTAN

PERMANENT PEOPLE'S TRIBUNAL



دادگاه مردمی برای زنان افغانستان
دادگاه



ی محکمه

www.afghanpeoplestribunal.com

سازمان‌های جامعه مدنی هنگامی که نظام‌های رسمی قضایی و دولت‌محور کوتاه می‌آیند، نقش حیاتی در پیشبرد پاسخ‌گویی ایفا می‌کنند. آن‌ها نقض‌های حقوق بشر را مستندسازی، صدای قربانیان را حفظ، دادخواهی را بسیج و بسترهایی برای حقیقت‌جویی و عدالت ایجاد می‌کنند؛ از محکمه‌های نمادین و مستندسازی دیجیتال تا یادبودها گرفته تا دادخواهی برای ایجاد هنجارهای حقوقی جدید و درخواست‌ها برای ایجاد مکانیزم‌های بین‌المللی تحقیقاتی، سازمان‌های جامعه مدنی تضمین می‌کنند که قربانیان/بازماندگان همواره در محور تلاش‌های تحقق عدالت باقی بمانند. این بخش چند ابتکار کلیدی به رهبری نهادهای جامعه مدنی افغانستان و بین‌المللی، از جمله محکمه مردمی برای زنان افغانستان، خانه خاطره افغانستان و دادخواهی برای جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی، را معرفی می‌کند و شیوه‌های گوناگون مشارکت جامعه مدنی در حقیقت‌یابی، حفظ حافظه جمعی و پاسخ‌گویی را نشان می‌دهد.

محکمه مردمی برای زنان افغانستان

محکمه مردمی برای زنان افغانستان: این ابتکار یک محکمه علنی و ویژه بود که از ۸ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵ برگزار شد و توسط ائتلافی از چهار نهاد جامعه مدنی افغان با همکاری محکمه دائمی مردمی (Permanent People's Tribunal) ترتیب یافت. ۱) چهار نهاد برگزارکننده عبارت‌اند از: رواداری، مؤسسه دموکراسی و حقوق بشر افغانستان، نهاد پژوهش و توسعه و مجمع مدافعان حقوق بشر. ۲) این نهادها اتهام‌نامه‌ای علیه مقامات طالبان تدوین کردند و آن‌ها را به ارتکاب جرم تعذیب مبتنی بر جنسیت از مصادیق جنایت علیه بشریت متهم نمودند. ۳) روند این محکمه نمادین و روایت‌محور بود و از محاکم مردمی بین‌المللی پیشین الگوبرداری شده بود. ۴) هدف محاکم مردمی مستندسازی نقض‌های حقوق بشر، حفظ صدای قربانیان/بازماندگان و صدور احکام اخلاقی است.

محرك‌ها: چهار نهاد جامعه مدنی افغان در دسامبر سال ۲۰۲۴ درخواست رسمی به محکمه دایمی مردمی تسلیم کردند، در FEBRUARY سال ۲۰۲۵ این درخواست پذیرفته شد. پروسه برگزاری محکمه مردمی برای زنان افغانستان در JULY ۲۰۲۵ رسماً آغاز گردید.

نتایج و پیامدها: این محکمه فضایی امن و فراگیر برای سخن‌گفتن قربانیان/بازماندگان فراهم کرد. جلسات استماع از ۸ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۵ در مادرید، اسپانیا، به صورت علنی برگزار شد. قضات حکم ابتداییه خود را صادر و اتهامات علیه مقامات طالبان را اذعان کردند و قرار است حکم نهایی در ۱۱ دسامبر ۲۰۲۵ صادر شود. این روند برای اثرگذاری بر گفتمان عمومی جهانی طراحی شد و به روایت گسترده‌تر پاسخ‌گویی کمک کرده و امید است مکانیسم‌های دیگر، از جمله محکمه بین‌المللی جزایی و تلاش‌های تحت رهبری ملل متحد، را تقویت کند.

چگونگی مشارکت: نهادهای جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی دیگر می‌توانند با سازمان‌دهی فعالیت‌های تعقیبی، تضمین حمایت و حفاظت از قربانیان/بازماندگان، و به‌کارگیری یافته‌های این محکمه مردمی برای تقویت دادخواهی بین‌المللی نقش بگیرند.

زنان و دختران در افغانستان با محدودیت‌های عمیق و گسترده بر حقوق اساسی‌شان، از ممنوعیت آموزش و کار تا حذف از زندگی عمومی، مواجه هستند و این وضعیت یکی از شدیدترین اشکال ستم جنسیتی در جهان امروز را رقم زده است. محکمه مردمی برای زنان افغانستان یک بستر اساسی و حیاتی را فراهم نمود تا تجارب قربانیان/بازماندگان و آشکارسازی اتهامات تعذیب مبتنی بر جنسیت به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت فراهم کرد و

مطالبه‌ای جامع و قربانی‌محور برای عدالت فراتر از روندهای قضایی رسمی ایجاد نمود. محکمه مردمی برای زنان افغانستان بر سنتی دیرینه از محاکم به‌رهبری جامعه مدنی بنا شده است. این محاکم مردمی، زمانی که عدالت رسمی با مانع روبه‌رو یا به تأخیر افتاده است، نقض‌های فاحش حقوق بشر را مستندسازی کرده، صدای قربانیان/بازماندگان را برجسته می‌سازند و بر مباحثات سیاسی و حقوقی تأثیرگذار بوده‌اند.

محکمه	زمینه و تمرکز	اهمیت/خروجی
محکمه راسل درباره ویتنام، ۱۹۶۶-۱۹۶۷	رویه ایالات متحده در جنگ ویتنام را ارزیابی کرد (تهاجم، سلاح‌های ممنوع، هدف‌گیری افراد ملکی)؛ احکام غیرالزام‌آور صادر کرد.	محکمه‌های به‌رهبری جامعه مدنی را بنیاد نهاد و گفتمان درباره جنایات جنگی ایالات متحده و افکار عمومی در آن مورد را شکل داد.
محکمه دائمی مردمی، تأسیس ۱۹۷۹	جانشین محکمه‌های راسل؛ شعبه دائمی ذیل بنیاد باسو؛ برگزاری بیش از ۵۰ نشست درباره جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و آسیب‌های نظام‌مند.	مجمعی دائمی برای نشان‌دادن و پرو کردن خلأهای پاسخ‌گویی فراتر از محاکم؛ بسیج هیئت‌های کارشناسی و ترتیب سوابق علنی نقض حقوق بشر.
محکمه بین‌المللی جنایات جنگی زنان درباره بردگی جنسی نظامی جاپان، ۲۰۰۱/۲۰۰۰	محکمه مردمی در مورد «آرامش زنان» در توکیو (دسامبر ۲۰۰۰) با صدور حکم در لاهه (دسامبر ۲۰۰۱) مسئولیت دولت/فرماندهی را ثابت کرد؛ پذیرش، عذرخواهی و جبران را توصیه نمود.	رکورد مفصلی واقعیات/حقوقی ایجاد کرد، شهادت قربانیان/ بازماندگان را برجسته ساخت و دادخواهی برای پذیرش و جبران خسارت را پایه‌گذاری کرد.
محکمه مردمی ایران، ۲۰۱۲-۲۰۱۳	استماعیه‌های «کمپسیون حقیقت‌یاب» (لندن، جون ۲۰۱۲) و محاکمه (کاخ صلح، لاهه، اکتوبر ۲۰۱۲) درباره کشتارهای جمعی دهه ۱۹۸۰ برگزار و حکم نهایی در ۲۰۱۳ صادر شد.	حافظه و شواهد را زنده نگه داشت؛ خواستار اقدام ملل متحد شد؛ علیرغم فقدان روند رسمی قضایی به آگاهی بین‌المللی یاری رساند.

یادبودسازی: خانه خاطره افغانستان

خانه خاطره افغانستان (Afghanistan Memory Home) یک موزیم دیجیتالی آنلاین و دیتابیس قربانی/بازمانده‌محور است که توسط سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان ایجاد شده است. این ابتکار روایت‌ها و اشیای قربانیان جنگ را از طریق یک موزیم مجازی، دیتابیس قابل جست‌وجوی قربانیان افغان و صندوق خاطرات شامل عکس‌ها، پوشاک، کتابچه‌های خاطرات و یادگاری‌ها حفظ می‌کند.

محرک‌ها: خانه خاطره افغانستان طی روندی چندساله شکل گرفت. نقطه آغاز آن ابتکار صندوق خاطرات بود که از سال ۲۰۱۱ جمع‌آوری محتوا را آغاز کرد. بر مبنای این صندوق‌ها، مرکز افغانستان برای خاطره و گفتگو نخستین موزیم جنگ توسط یک نهاد جامعه مدنی افغان بود که در فبروری ۲۰۱۹ تأسیس شد. با بازگشت طالبان به قدرت در ۲۰۲۱، این موزیم بسته شد. در ۲۰۲۲، مؤسسه حقوق بشر و دموکراسی با حمایت HURIDOCS روند دیجیتالی کردن محتوای موزیم را آغاز کرد و در اوایل ۲۰۲۳ نسخه دیجیتالی آن، تحت عنوان خانه خاطره افغانستان، رونمایی شد.

نتایج و پیامدها: خانه خاطره افغانستان محیطی امن و فراگیر برای قربانیان و اعضای دیاسپورا فراهم می‌کند. این خانه، اشیای شخصی و رسمی را مستندسازی کرده و به صورت مجازی نگهداری می‌نماید. همچنین ابزارهایی برای یادبودسازی، آموزش، دادخواهی و جبران خسارت‌های نمادین در اختیار می‌گذارد. با نگهداری مواد به صورت معیاری و قابل استفاده برای حقیقت‌جویی و روندهای احتمالی عدالت در آینده، ثبت زنده‌ای از آسیب‌ها را حفظ می‌کند.

چگونگی مشارکت: نهادهای جامعه مدنی و قربانیان/بازماندگان می‌توانند «صندوق خاطرات»، شهادت‌ها و اشیای باقی‌مانده از قربانیان را به خانه خاطره افغانستان اهدا کرده و پیشنهاد برگزاری نمایشگاه‌ها را ارائه دهند. هماهنگی برای ارسال این موارد از طریق صفحه تماس خانه خاطره افغانستان انجام می‌شود. همچنین نهادهای جامعه مدنی می‌توانند با هماهنگی، از محتوای خانه خاطره افغانستان برای دادخواهی، برنامه‌های آموزشی و برنامه‌ریزی عدالت انتقالی بهره‌برداری کنند.

یادبودسازی و افغانستان: در نبود و ناکارایی عدالت رسمی، چنانچه در افغانستان است، خانه خاطره افغانستان به منزله زیارتگاه دیجیتال و یک آرشیو بدیل عمل می‌کند؛ یاد قربانیان را گرامی می‌دارد، روایت‌های قربانیان و بازماندگان را توان می‌بخشد و برای تلاش‌های آینده در راستای حقیقت‌یابی و پاسخ‌گویی، شواهد را حفظ می‌کند.

یادبودسازی: نمونه‌های از کشورهای دیگر

مکان	تمرکز	اهمیت
پژم-۳۶ (موزیم گولاگ)، روسیه، از دهه ۱۹۹۰ به‌این‌سو	اردوگاه پیشین کار اجباری که به‌عنوان موزیم سرکوب سیاسی حفظ شده بو در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ توسط مقامات محلی در اختیار گرفته شد و روایت آن وارونه گردید. نسخه مجازی اکنون به حفظ روح اصلی کمک می‌کند.	نشان می‌دهد چگونه مداخله دولتی می‌تواند مکان‌های حفظ خاطره را مورد دستبرد قرار دهد. در چنین وضعیتی، جامعه مدنی می‌تواند برای پاسداری از روایت‌ها به یادبودهای دیجیتالی رو بیاورد.
موزیم «ناحیه شش»، افریقای جنوبی (۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰)	موزیمی ریشه‌دار در جامعه است که جابه‌جایی‌های اجباری در کیپ‌تاون را مستندسازی می‌کند؛ به شمول تاریخ‌های شفاهی گسترده و آثار شخصی ساکنان پیشین.	یک نمونه موزیم به‌رهبری قربانیان/بازماندگان و آموزش عمومی است که حقیقت را در تجربه زیسته گره می‌زند.
تالارهای شکنجه «نیایو هاوس»، کینیا (دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰)	فبلا محل پنهانی در مرکز نایروبی بود که برای شکنجه استفاده می‌شد. قربانیان/بازماندگان برای حفاظت آن به‌عنوان یادبود عمومی دادخواهی کردند. دسترسی به آن محل محدود است.	مثال خوب از تاثیر دادخواهی قربانیان/بازماندگان است. نشان می‌دهد چگونه دادخواهی محلات جرم را به محلات حفظ خاطرات جمعی تبدیل می‌کند.
کومارکا بالیده، «مرکز ملی چوگا» تیمورشرقی	فرمان-قانون ۲۰۱۶/۴۸ زندان پیشین را به مرکز ملی حافظه و حقوق بشر تبدیل کرد که اکنون دیوارنگاری‌ها را حفظ می‌کند، برنامه‌های آموزش را میزبانی می‌کند و شهادت‌ها را نگهداری می‌نماید.	نمونه‌ای از یادبودسازی مورد حمایت دولت است که به‌أساس توصیه‌های «کمیسیون حقیقت‌یاب» ایجاد شد.
موزیم جنگ آزادی، بنگلادیش (۱۹۷۱)	موزیم در ۱۹۹۶ تأسیس و در ۲۰۱۷ به ساختمان تازه منتقل شد. مجموعه بزرگ اهداشده از سوی شهروندان را شامل می‌شود. برنامه‌های آموزش و پژوهش برگزار می‌کند.	یک «موزیم مردمی» ساخته‌شده از رهگذر اهدای عمومی و رهبری جامعه.

دادخواهی جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی

دادخواهی جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی ابتکاری است که پس از بازگشت طالبان به قدرت، توسط مدافعان حقوق زنان، حقوق‌دانان و کارشناسان حقوقی آغاز شد. هدف این ابتکار، شناسایی «آپارتاید جنسیتی» به عنوان جرمی علیه بشریت در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی است؛ از طریق گسترش تعریف کنونی آپارتاید در حقوق جزایی بین‌المللی. چندین دولت از گنجانیدن مفهوم آپارتاید جنسیتی در مسوده کنوانسیون «جنایت علیه بشریت» که هم‌اکنون در مرحله مذاکره قرار دارد، استقبال کرده‌اند.

محرك‌ها: این ابتکار در پی دهه‌ها نقض مداوم حقوق زنان، چه در دوره نخست حکومت طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱) و چه پس از بازگشت آنان در سال ۲۰۲۱، شکل گرفت. طالبان به شدت دسترسی زنان و دختران را به آموزش، اشتغال، خدمات صحتی، رفت‌وآمد و حضور در زندگی عمومی محدود کرده‌اند. اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» در میان زنان افغان بازتابی گسترده یافته و به ابزاری سیاسی و حقوقی برای توصیف بحران علیه زنان، هم در دادخواهی‌های محلی و هم در گفتمان سازمان ملل متحد، تبدیل شده است.

نتایج و پیامدها: این دادخواهی پیشنهاد می‌کند که (۱) «کنوانسیون پیشنهادی پیش‌گیری و مجازات جنایت علیه بشریت» اصلاح شود تا «جنسیت» به‌طور صریح در کنار «نژاد» گنجانده شود؛ (۲) بازنگری احتمالی در «اساس‌نامه رم» انجام گیرد تا «آپارتاید جنسیتی» به حوزه صلاحیت محکمه بین‌المللی جزایی افزوده شود؛ و (۳) آپارتاید جنسیتی در قوانین داخلی کشورها جرم‌انگاری گردد. جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی خلای حیات حقوقی را پُر می‌کند، دسترسی قربانیان و قربانیان/بازماندگان به عدالت را افزایش می‌دهد و دولت‌ها را به پیش‌گیری، تحقیق و مجازات این جنایت بیشتر وامی‌دارد.

چگونگی مشارکت: نهادهای جامعه مدنی می‌توانند با به اشتراک‌گذاری «نامه مشترک» و «یادداشت حقوقی» که از سوی برگزارکنندگان این دادخواهی و با پشتیبانی حقوق‌دانان جهانی، برندگان جایزه نوبل و مدافعان حقوق زنان تهیه شده است، به تقویت این حرکت کمک کنند. آنان همچنین می‌توانند نزد دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، به‌ویژه در «کمیته ششم» و «شورای حقوق بشر»، برای گنجانیدن آپارتاید جنسیتی در مذاکرات مربوط به کنوانسیون «جنایات علیه بشریت» دادخواهی نمایند.

دادخواهی برای جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی و افغانستان: جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی، تجربه‌های زیسته قربانیان/بازماندگان افغان را به رسمیت می‌شناسد، سطح حمایت‌ها را در برابر سرکوب‌های مورد حمایت طالبان افزایش می‌دهد و به بسیج سازوکارهای بین‌المللی، از جمله پناهندگی، تحریم‌ها و ارجاع پرونده‌ها به مسیرهای قضایی مانند محکمه بین‌المللی جزایی یا محکمه بین‌المللی عدالت، برای تحقق پاسخ‌گویی بیشتر کمک می‌کند.

«اعمال غیرانسانی که در چارچوب یک رژیم نهادینه شده‌ی ستم و سلطه‌ی سیستماتیک توسط یک گروه جنسیتی بر گروه یا گروه‌های جنسیتی دیگر و با هدف حفظ آن رژیم ارتکاب می‌یابد.»
دادخواهی پایان‌دادن به آپارتاید جنسیتی

محدودیت‌های مکانیسم‌های پاسخ‌گویی غیرقضایی

محدودیت‌های مشترک

نبود قدرت تعقیب قضایی: این مکانیسم‌ها و ابتکارها توانایی تعقیب قضایی مستقیم را ندارند و تحقق اقدامات قضایی بر اساس یافته‌های آن‌ها، به اراده سیاسی دولت‌ها وابسته است.

وزش‌های مخالف سیاسی: دولت‌ها یا مقامات دی‌فکتو ممکن است دسترسی به اطلاعات را محدود کنند، گزارش‌ها را تحت تأثیر قرار دهند یا اجرای مأموریت‌ها را به تعویق اندازند.

حفاظت و انتقام‌جویی: منابع، کارمندان و اعضای خانواده پس از گزارش‌دهی علنی ممکن است با تهدید مواجه شوند.

شکنندگی شواهد: خلأها در زنجیره تحویل و حفاظت شواهد، متاداده‌ها یا شواهد تأیید نشده می‌تواند استفاده حقوقی آینده را محدود کند.

پایداری: کمک‌های مالی کوتاه‌مدت و جابه‌جایی کارکنان، استمرار فعالیت‌ها و حفظ آرشیف‌ها را مختل می‌سازد.

محدودیت‌های ویژه هر مکانیسم

گزارشگر ویژه برای افغانستان: لزوم تمدید سالانه، مأموریت را از نظر سیاسی آسیب‌پذیر می‌کند؛ دسترسی میدانی محدود است و منابع اطلاعات پس از مکاتبات احتمالا با خطر انتقام‌جویی مواجه خواهند شد.

واحد خدمت حقوق بشر دفتر کمیشنر عالی برای حقوق بشر: این واحد در چارچوب یک مأموریت سیاسی (یوناما) فعالیت می‌کند؛ دسترسی به اطلاعات تابع تصمیمات مقامات دی‌فکتو است و در صورت رعایت نشدن قواعد حفاظتی، اطلاعات حساس ممکن است در محکمه قابل پذیرش نباشد.

شورای حقوق بشر: قطع‌نامه‌های آن غیرالزام‌آورند؛ و مأموریت‌ها می‌تواند با معامله‌گری تضعیف شود. محکمه‌های مردمی: احکام آن‌ها جنبه اخلاقی دارند و نه حقوقی؛ برای شهود خطرات امنیتی ایجاد می‌کنند و امکان طرح پرونده علیه اشخاص و نهادهای دخیل در محکمه مردمی به اتهام افترا وجود دارد.

یادبودسازی: امکان تضاد روایت‌ها، سیاسی‌شدن فرآیند و حذف محتوا وجود دارد؛ همچنین خطر آسیب روانی مجدد برای قربانیان/بازماندگان و مسائل مرتبط با میزبانی بلندمدت و مالکیت اطلاعات مطرح است.

جرم‌انگاری آپارتاید جنسیتی: روند تصویب معاهدات بین‌المللی طولانی و آهسته است؛ مخالفت برخی دولت‌ها وجود دارد و خطر کج‌فهمی با جرایم موجود (برای مثال، تعذیب مبتنی بر جنسیت) می‌تواند پیام دادخواهی را منحرف کند.

منابع سودمند درباره نقش جامعه مدنی در ترویج پاسخگویی:

محکمه مردمی برای زنان افغانستان:
[/https://afghanistantribunal.com](https://afghanistantribunal.com)

وپرسش‌های متداول درباره آن:
<https://rawadari.org/papers/frequently-asked-questions-about-the-peoples-tribunal-for-women-of-afghanistan>

خانه خاطره افغانستان: [/https://afghanistanmemoryhome.org](https://afghanistanmemoryhome.org)

دادخواهی ختم آپارتاید جنسیتی: [/https://endgenderapartheid.today](https://endgenderapartheid.today)

رهنمود محکمه بین‌المللی جزایی وایروجست برای جامعه مدنی:
<https://www.icc-cpi.int/news/documenting-international-crimes-and-human-rights-violations-accountability-purposes>

دستنامه آموزشی و منابع دیگر دفتر کمیشنر عالی برای حقوق بشر برای جامعه مدنی: <https://www.ohchr.org/en/resources/civil-society>

فهرست اصطلاحات

بازمانده: فردی که نقض حقوق بشر یا فجایع را تجربه کرده است. این اصطلاح بر عاملیت و تاب‌آوری تأکید دارد و در مقابل اصطلاح حقوقی «قربانی» قرار می‌گیرد که ممکن است معنای انفعال یا درماندگی بدهد. کنشگران ترجیح می‌دهند این واژه به جای «قربانی» استفاده شود.

تحقیق (محکمه بین‌المللی جزایی): مرحله رسمی پس از دریافت مجوز که در آن، دادستان شواهد را جمع‌آوری می‌کند، شهود را مصاحبه می‌نماید و برای محاکمه‌های احتمالی پرونده‌سازی می‌کند.

تعذیب جنسیتی (Gender Persecution): جرمی از مصادیق جنایت علیه بشریت ذیل اساس‌نامه رم است که شامل محروم‌سازی عمدی و شدید از حقوق بنیادین مبتنی بر «جنسیت» می‌شود و با یک یا چند عمل مجرمانه فهرست‌شده در اساس‌نامه رم مرتبط است.

تکمیل: اصلی در اساس‌نامه رم است که بر اساس آن، محکمه بین‌المللی جزایی تنها زمانی مداخله می‌کند که محاکم ملی واقعاً ناتوان یا بی‌اراده در تعقیب جرایم بین‌المللی باشند. اگر یک کشور تحقیقات و محاکمه معتبر خود را انجام دهد، محکمه بین‌المللی جزایی صرفاً ناظر خواهد بود.

توافق‌نامه وضعیت نیروها (SOFA): معاهده یا توافق میان کشور میزبان و نیروهای نظامی خارجی که وضعیت حقوقی آن نیروها را تعیین می‌کند، از جمله این که کدام قوانین بر آن‌ها حاکم است و کدام کشور درباره جرایم آنان صلاحیت دارد.

جبران خساره (Reparations): تدابیری برای ترمیم آسیب وارده به قربانیان، از جمله اعاده کرامت، پرداخت غرامت، بازتوانی، جلب رضایت، و تضمین‌های عدم تکرار.

جرایم اصلی بین‌المللی: چهار جرم که در صلاحیت محکمه بین‌المللی جزایی قرار دارند: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و (از سال ۲۰۱۸) جرم تعرض ارضی.

جرایم جنگی: نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در جریان منازعه مسلحانه ارتکاب می‌یابد؛ مانند هدف‌گیری افراد ملکی، شکنجه یا استفاده از سلاح‌های ممنوع.

جنایت علیه بشریت: اعمال بسیار جدی مانند قتل، شکنجه، ناپدیدسازی اجباری، تعذیب و دیگر اعمال، که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند علیه افراد ملکی ارتکاب می‌یابد. این جرایم هم در جنگ و هم در صلح ممکن است رخ دهد.

حکم جلب (محکمه بین‌المللی جزایی): دستور رسمی‌ای که توسط قضات شعبه مقدماتی محکمه بین‌المللی جزایی صادر می‌شود و ایجاب می‌کند شخص مظنون به جرایم بین‌المللی بازداشت و به محکمه بین‌المللی جزایی تسلیم داده شود.

تعهدات نیروهای خارجی و شرکت های بین المللی: توانایی یک دولت برای اعمال صلاحیت حقوقی بر اتباع خود در مورد جرایمی که خارج از قلمرو آن دولت ارتکاب یافته اند.

عدالت انتقالی: تدابیری برای رسیدگی به نقض های گذشته حقوق بشر، شامل پیگردها، فرآیندهای حقیقت یابی، جبران خسارت و اصلاحات نهادی، که در دوران گذار جامعه از منازعه یا سرکوب به سمت صلح و دموکراسی اجرا می شود.

عدالت قربانی/بازمانده محور: رویکردی به پاسخ گویی که حقوق، کرامت، مشارکت فعال و نیازهای قربانیان را در روندهای حقیقت یابی، عدالت، جبران خسارت و فرآیندهای گذار در اولویت قرار می دهد.

عفو: تصمیم حقوقی یا سیاسی که مجازات افرادی را که مرتکب جرم شده اند، حذف یا محدود می کند؛ غالباً به عنوان بخشی از توافق های صلح اجرا می شود. این اقدام مورد انتقاد است، زیرا می تواند باعث شود نقض های جدی بدون مجازات باقی بمانند و آسیب قربانیان بی پاسخ بماند.

قربانی: فرد یا گروهی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرایم یا نقض های حقوق بشر آسیب بدنی، روانی، مادی یا اجتماعی دیده اند. در محکمه بین المللی جزایی، قربانیان حق مشارکت و دریافت جبران خسارت را دارند. مستندسازی: فرایند دقیق گردآوری، راستی آزمایی و نگهداری شواهد، شهادت ها، عکس ها، گزارش ها و دیگر اطلاعات درباره نقض های حقوق بشر یا جرایم بین المللی است.

مشارکت قربانی (محکمه بین المللی جزایی): روندی که به قربانیان اجازه می دهد دیدگاه ها، نگرانی ها و دعاوی جبران خسارت خود را، معمولاً از راه نمایندگان قانونی، نزد محکمه بین المللی جزایی مطرح کنند؛ تا دیدگاه های آنان در محاکمه ها، تحقیقات و تصمیم ها مورد توجه باشد.

مکاتبه و تأمین ارتباط ذیل ماده ۱۵: اطلاعات یا شواهدی که توسط افراد، گروه ها یا سازمان ها به سارنوال محکمه بین المللی جزایی سپرده می شود. سارنوال می تواند از آن برای آغاز بررسی مقدماتی که ممکن است بعداً به تحقیق بینجامد یا در تحقیقات استفاده کند.

نسل کشی: عمل عمدی نابود کردن یک گروه ملی، قومی، نژادی یا دینی، به طور کامل یا جزئی، از طریق کشتن اعضای گروه، وارد کردن آسیب جدی، جلوگیری از تولد ها، یا انتقال اجباری کودکان.

یادبودسازی: تلاش ها برای حفظ خاطره قربانیان و فجایع، از طریق ایجاد موزیم ها، بناهای یادبود، آرشیف های دیجیتال، مراسم و پروژه های تاریخ شفاهی.

